

# بررسی ارتباط گواه‌نمایی زبانی با شخصیت‌پردازی در فیلم‌نامه: با استناد به فیلم‌نامه جدایی نادر از سیمین

آرزو امیدواری<sup>۱</sup>

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج

ارسلان گل‌فام<sup>۲</sup>

دانشگاه تربیت مدرس

## چکیده

گواه‌نمایی که در مطالعات جدید دو کارکرد اصلی معرفی منبع خبر و تأثیر گوینده بر مخاطب را در تحلیل‌های زبانی دربرمی‌گیرد، در تعریف اولیه تنها مشتمل بر رمزگذاری ساختارهای زبانی برای معرفی منبع خبر است (آیخنوالد، ۲۰۰۴: ۳). با این‌که زبان فارسی دارای گواه‌نمایی دستوری نیست اما همچون بسیاری از زبان‌های دنیا مفهوم گواه‌نمایی را به‌واسطه ساختارهای دیگر زبانی بروز می‌دهد. از این‌رو می‌توان آن را از عوامل متنی و گفتمانی مهم در نظر گرفت. هدف این پژوهش بررسی و تحلیل ساختارهای گواه‌نمای فیلم فارسی است. در این راستا الگوهای گواه‌نمایی ۵۶ بخش گفتاری از فیلم نامه با الگوهای ساختاری گواه‌نمای فارسی مقایسه گردید و نتایج پژوهش حاکی از این است که در گفتمان فیلم، انواع گواه‌نمای مستقیم (دیداری) و غیرمستقیم (استنباطی، استدلالی، حدس و گمان و گزارش) در قالب ساختارهای متنوع زبانی مانند ویژگی‌های فعل، واژه‌ها، نشانگرها، عبارات اضافی و ساختارهای وجه‌نما بروز می‌یابد. بررسی کمی و کیفی گواه‌نمای زبانی فیلم‌نامه، اطلاعات مهمی در مورد شخصیت بازیگران به مخاطبان منتقل می‌کند. در نتیجه بررسی گواه‌نمای زبانی در نقد انواع فیلم‌نامه‌ها

---

1. [omidvaria@gmail.com](mailto:omidvaria@gmail.com)  
2. [golfamar@yahoo.com](mailto:golfamar@yahoo.com)

می‌تواند در بازیابی بهینه هدف فیلم و انگیزه فیلم‌نامه‌نویس در شخصیت‌پردازی بازیگران، سهم بسزایی داشته باشد.

**کلیدواژه‌ها:** گواه‌نمایی، فیلم، شخصیت‌پردازی، جدایی نادر از سیمین.

## ۱- مقدمه

توجه به دستاوردهای جدید مطالعات زبان‌شناختی در مورد ساختارهای گواه‌نمایی زبانی، طرح این سؤال اساسی را ایجاب می‌کند که کاربرد و بررسی این عناصر زبانی در انواع گفتمان چگونه و تا چه اندازه بر تحلیل و نقد متون مختلف تأثیرگذار است. «گواه‌نمایی»<sup>۱</sup>، به بیان روشن، به معنای معرفی منبع خبر و پذیرفتن مسئولیت درستی یا نادرستی آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط گوینده است. آیکهنوالد<sup>۲</sup> (۲۰۰۴: ۱) همانند یاکوبسن<sup>۳</sup> (۱۹۵۷) گواه‌نما را ساختاری زبانی می‌داند که به‌واسطه آن رمزگذاری زبانی برای مشخص کردن منبع خبر و اطلاعات از سوی گوینده صورت می‌پذیرد. پالمر<sup>۴</sup> (۱۹۸۶)، چیف<sup>۵</sup> و نیکولز<sup>۶</sup> (۱۹۸۶) و سعید<sup>۷</sup> (۲۰۰۹) گواه‌نمایی را زیرمجموعه وجه‌نمایی معرفت‌شناختی<sup>۸</sup> می‌دانند که برای تأیید درستی خبری که گوینده می‌دهد، به‌کار می‌رود. از این دیدگاه، گواه‌نمایی در واقع دو کارکرد اصلی دارد: اول، معرفی منبع خبر و دوم، تأثیر گوینده بر مخاطب. بنابراین گواه‌نمایی وضعیت برداشت یا شناخت گوینده را نشان می‌دهد که هم شامل قضاوت‌های او می‌شود و هم دربردارنده نوعی شاهد و مدرک است که وی برای آنچه می‌گوید ارائه می‌دهد (پالمر، ۱۹۸۶: ۵۱). از این رویکرد، گواه‌نماها نیز همانند ساختارهای دیگر زبانی و حتی غیرزبانی قابلیت به‌تصویرکشیدن شخصیت، تفکر، اعتقادات، روابط قدرت و حتی روش زندگی افراد را دارا هستند.

مقولات گواه‌نما در ابتدا به‌عنوان مقولات مستقل و دستوری زبان (به‌صورت‌های وند، واژه‌بست، تکواژ، اجزای فعلی و...) مطرح شد اما آیکهنوالد (۲۰۰۴: ۷) پس از مطالعات فراوان در

1. evidentiality

2. A. Y. Aikhenvald

3. R. Jakobson

4. F. R. Palmer

5. W. L. Chafe

6. J. Nichols

7. J. Saeed

8. epistemology

این زمینه اعلام کرد که گواه‌نمایی دستوری، پدیده‌ای شایع در زبان‌های دنیا نیست و تنها حدود ۲۵ درصد زبان‌های جهان را دربرمی‌گیرد. وی از سوی دیگر معتقد است اهمیت و وجود گواه‌نما (هرچند در قالب‌های غیردستوری) از لحاظ گفتمانی تقریباً در تمام زبان‌ها ثابت شده است. از این رو در مدلی که ارائه داده است، به راهبردهای گواه‌نمایی و مقولات غیرگواه‌نمای دارای نقش گواه‌نما نیز پرداخته است.

در بررسی زبانی انواع گفتمان زبان فارسی مشخص شد که این زبان، گواه‌نمای دستوری ندارد (امیدواری: ۱۳۹۲). بنابراین در این زبان مطالعه ساختارهایی که علاوه بر نقش اولیه خود، القاکننده مفهوم گواه‌نما هستند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

منظور از عناصر گواه‌نما در مفهوم فوق، عناصر زبانی هستند که دارای دو ویژگی معرفی منبع خبر و یا نحوه نگرش گوینده به خبر (شامل قطعیت، احتمال، تردید و...) هستند. در تقسیم‌بندی ساختاری به‌طور کلی دو نوع گواه‌نمای مستقیم و غیرمستقیم معرفی شده است (ویلت<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸: ۵۵؛ پلانگیان<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱: ۳۵۳؛ آخنوالد، ۲۰۰۴: ۶۳) که در قالب انواع گواه‌های زیر نمود می‌یابند:

- دیداری<sup>۳</sup>: گواه بر مبنای دیدن شخص گوینده است.
- غیردیداری<sup>۴</sup>: حواس دیگر گوینده غیر از بینایی در شکل‌گیری این گواه مؤثرند.
- استنباطی<sup>۵</sup> (استدلالی): بر مبنای گواه لمسی یا دیداری و نتیجه‌گیری و استنباط و گاهی دلیل منطقی (استدلال) گوینده از شرایط موجود شکل می‌گیرد.
- حدس و گمانی<sup>۶</sup>: بر اساس گواهی که نتیجه حاصل از دیدن و قوای حسی نباشد، یا دانش عمومی و عقاید فردی شکل می‌گیرد.
- شنیده (شایعه)<sup>۷</sup>: خبر گزارش شده بدون ارجاع به منبع خبر یا شخصی که گزارش داده است.
- نقل قولی<sup>۸</sup>: خبر گزارش شده با ارجاع به منبع یا نقل قول مستقیم از منبع خبر.

---

1. T. Willet
2. V. A. Plangian
3. visual
4. non-visual
5. inference
6. assumption
7. hearsay
8. quotative

در این تقسیم‌بندی گواه دیداری، گواه مستقیم و معتبر است و بقیه انواع گواه‌ها، غیرمستقیم با درجات اعتبار خبری متفاوت در نظر گرفته شده‌اند.

آیخ‌نوالد (۲۰۰۴: ۵۲) در اشاره به گواه‌نمایی دستوری در زبان توکانو<sup>۱</sup> که از زبان‌های منطقه آمازون است، چهار پسوند گواه‌نمای زیر را برای گواه‌های متفاوت برمی‌شمارد و اظهار می‌دارد اگر گوینده گواه سخن خود را بیان نکند، سخنش برای شنونده، باورپذیر و معتبر نیست:

**ámi** \_ برای زمانی که فردی واقعه را می‌بیند.

**ásĩ** \_ برای زمانی که فردی صدای واقعه را می‌شنود.

**ápĩ** \_ زمانی که گوینده از شواهد موجود استنباط می‌کند.

**ápi** \_ زمانی که گوینده نقل قول می‌کند.

مثال از زبان توکانو:

سگ ماهی را برد (من دیدم).

diâyi wa ĩ re yaha **ámi**  
The dog stole the fish (I saw it)

در این مثال، از آنجا که زبان انگلیسی و فارسی گواه‌نمای دستوری ندارند گواه‌نمایی (نحوه کسب خبر) با استفاده از جمله توضیحی بیان می‌شود. به‌روز و فراگیربودن پژوهش‌های خارجی در حوزه گواه‌نمایی و پژوهش‌های محدود و انگشت‌شمار این مقوله در زبان فارسی ضرورت انجام پژوهش حاضر را توجیه می‌کند.

## ۲- پیشینه

حوزه گواه‌نمایی که اولین مطالعات آن در قرن ۱۱ در دیوان اللغات الترتکی توسط محمود الکاشغری<sup>۲</sup> صورت پذیرفت و در آن عناصر مؤید منبع خبر به گواه‌نماهای دست اول در برابر گواه‌نماهای غیر دست اول تقسیم شدند (نقل از فریدمن<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳: ۱۸۹)، در مطالعات

---

1. Tukano  
2. M. Alkashghari  
3. V. A. Frideman

زبان‌شناسی مدرن در قرن بیستم توسط بوآس<sup>۱</sup> با طرح و پایه‌گذاری مفهوم گواه‌نما به صورت علمی مطرح شد (بوآس، ۱۹۱۱).

یاکوبسن (۱۹۵۷) واژه *evidential* را برای اولین بار در زبان اسلاوی بالکان برای اشاره به مقولاتی به کار برد که بیانگر انواع منبع خبر دستوری بودند. تا پیش از وی، آرای متفاوت و پراکنده‌ای در مورد نقش و نام این عناصر در زبان‌ها وجود داشت، به صورتی که طبق بررسی‌های هاردمن<sup>۲</sup> (۱۹۸۶: ۱۱۳)، برخی نشانگرهای گواه‌نما را در زبان‌ها پسوند تأکید و تزئین خواندند.

تحقیقات ارزشمندی در مجموعه‌ای از مقالات به قلم چیف و نیکولز (۱۹۸۶) منتشر شد که نظام‌های گواه‌نمایی سراسر دنیا را ترسیم کرده است. آنها گواه‌نمایی را مقوله‌ای مستقل در زبان ندانسته و آن را صرفاً زیرمجموعه‌ی وجه‌نمایی برشمرده‌اند. سنجش و ارزیابی مقدماتی گواه‌نماها نیز توسط ویلت (۱۹۸۸) انجام شد. وی در رده‌شناسی گواه‌نمایی دستوری، طبقه‌بندی سه‌گانه‌ای از گواه‌نمایی ارائه داده است: گواه‌نمای مستقیم یا گواه‌نمای اثبات شده، گواه‌نمای غیرمستقیم گزارشی و گواه‌نمای غیرمستقیم استنباطی.

این مطالعات، امروزه مبنای بررسی‌های گسترده‌ی گواه‌نمایی هستند. در تحقیقات اخیر، گواه‌نمایی از حالت صوری خارج شده و به گفتمان ارتباط یافته است. طبق بیان لازار<sup>۳</sup> (۲۰۰۱)، «امروزه گفتمان مشخص شده با گواه‌نما در برابر گفتمان خنثی قرار گرفته است.»

آیخنوالد (۲۰۰۴) در اثر خود به نام *گواه‌نمایی* با بررسی زبان‌های بسیاری در دنیا به این نتیجه رسیده است که اگر عناصر گواه‌نمای دستوری در زبانی وجود نداشته باشند، به این معنا نیست که این مفهوم مهم گفتمانی که نتیجه‌ی آن چگونگی کسب خبر و جلب اعتماد مخاطب است نیز در زبان جایی ندارد، بلکه این مفهوم در عناصر دیگر زبانی با عنوان راهبردهای گواه‌نمایی نمود می‌یابد. از این رو، وقتی یک عنصر زبانی در کنار نقش اول خود، به عنوان کارکرد ثانویه، مفهوم گواه‌نمایی را بروز دهد، ارزش بررسی آن از گواه‌نماهای دستوری کمتر نیست. از این دیدگاه، مقولات وجهی، وجه‌نماها، زمان و نمود افعال، نشانگرها و شاخص‌ها و عبارات اضافی می‌توانند ویژگی‌های گواه‌نمایی را بروز دهند.

---

1. F. Boas  
2. M. J. Hardman  
3. G. Lazard

### ۳- گواه‌نمایی در زبان فارسی

بسیاری از دستورهای زبان‌های ایرانی، معنای گواه‌نمایی غیرمستقیم را یکی از کاربردهای نمود کامل<sup>۱</sup> می‌دانند. اوتاس<sup>۲</sup> (۲۰۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «ردپای گواه‌نمایی در فارسی کلاسیک» به بررسی جملات فارسی دری پرداخته و با تحقیقی در زمانی، وجه افعال و زمان‌های کامل فعل را نشانه‌ای از گواه‌نمایی در زبان دانسته است، وی از زمان دوبار کامل<sup>۳</sup> در فارسی قدیم که نشانگر ارتباط میان وجه‌نمایی و گواه‌نمایی است، نمونه «خفته بوده است» را مطرح می‌کند. پاول<sup>۴</sup> (۱۹۹۸: ۲-۹۱) در دستور زازاکی (از زبان‌های ایرانی) نشان می‌دهد که صورت کامل فعل الزاماً نمی‌تواند تعبیری بر منبع خبر باشد. هرچند وی در قیاس بین گواه‌نماهای غیرمستقیم زبان ترکی و صورت کامل فعل در زبان زازاکی، به شباهت کاربردی آنها اشاره کرده و معتقد است این صورت در زازاکی در گزارش و استنباط به‌کار می‌رود.

طبق مطالعات در زمانی لازار (۲۰۰۱)، زبان‌های ایرانی مایل به تفکیک نمود کامل و وجه فعل نیستند و با پیوستاری در زمانی و همزمانی ارتباط نمود و وجه افعال را به شیوه‌های متفاوت بازگو کرده‌اند. وی با اشاره به جمله «در این سرزمین همیشه باران‌های سیل‌آسا می‌باریده‌اند» بیان می‌کند که وجه کامل فعل به‌گونه‌ای است که هرچند شنونده یا خواننده از این که گوینده این اطلاعات را از کجا دریافت کرده بازمی‌ماند (بی‌اطلاعی از منبع خبر) اما تردیدی هم در صحت آن نمی‌کند.

فریدمن (۲۰۰۳)، در بررسی‌های در زمانی که در مورد زبان‌های هندواروپایی انجام داده است، وجه فعل و (به‌طور کلی نظام فعلی) را در شکل‌گیری گواه‌نمایی دخیل دانسته و نمونه‌هایی از زبان سانسکریت و اوستایی را در این مورد ارائه داده است. برخی پژوهشگران، با اشاره به مطالعاتی از این قبیل، زبان فارسی را واجد شرایط داشتن گواه‌نمای دستوری خوانده‌اند.

بشیر<sup>۵</sup> (۲۰۰۷) هم، با قائل‌شدن نقطه شروع، پایان و طول برای هر رویداد، نتیجه می‌گیرد که گواه‌نمایی مستقیم از ناظر بودن فرد بر شروع و طول رویداد حادث شده است و اگر فرد با

---

1. perfect  
2. B. Utas  
3. double perfect  
4. L. Paul  
5. E. Bashir

مشاهده نتیجه تنها ناظر بر مرحله پایانی رخداد یا اثرات آن باشد و در پی آن متوسل به استدلال و استنباط از نتیجه شود، در این صورت مجاز است با راهبردی غیرمستقیم آن را بیان کند. با توجه به این نکته، اگر کسی در روایت آنچه بر آن ناظر بوده است یا برعکس، گواه نادرست بدهد، از لحاظ روان‌شناختی و شخصیتی، فردی مسئله‌دار محسوب می‌شود.

دستاورد پژوهش‌های فوق، لزوم بررسی عناصر گواه‌نما در انواع متون در زبان فارسی را ایجاب می‌کند. نمایش‌نامه و فیلم‌نامه از متون گفتمانی فراگیر امروزی هستند. اسلین<sup>۱</sup> (۱۳۹۱: ۴۹) بیان می‌دارد: «سطح زبان و سبک نگارش نمایش‌نامه و در نتیجه سبک بازیگری با سطح نگرشی که تماشاگر نسبت به کاراکترها اتخاذ می‌کند مرتبط است. با این‌که قالب گفت‌وگو در نمایش‌نامه قوی‌تر است و فیلم‌نامه بیشتر به وقایع بیرونی و جزئیات از قبیل صحنه‌پردازی و کنش‌های بازیگران می‌پردازد، ولی بررسی گفتمان و کلام در فیلم‌ها همیشه بخشی از نقد آنها را دربرمی‌گیرد.» فیلد<sup>۲</sup> (۱۳۸۵: ۴۱) نیز بر ملاکردن شخصیت‌های فیلم و تضادهای درونی و بین شخصیت‌ها و چرخش‌های سریع شخصیت‌ها را از جمله وظایف گفت‌وگو در فیلم‌نامه می‌داند. وی همچنین تأکید می‌کند که گفت‌وگو باید از شخصیت نشأت بگیرد. از این رویکرد، بخشی از کار فیلم‌نامه‌نویس را می‌توان در نحوه‌گزینش ساختارهای گواه‌نما برای شخصیت‌های فیلم به‌منظور به‌تصویرکشیدن ابعاد شخصیتی و فکری آنان دخیل دانست. از سویی دیگر فیلم‌نامه‌نویس همانند هر راوی دیگری با استفاده از اصول گواه‌نمایی، قادر است شخصیت‌های فیلم‌نامه را با صرف زمان و انرژی کمتری به مخاطبان بشناساند.

#### ۴- روش گردآوری داده‌ها

هدف اصلی این پژوهش، بررسی و مطالعه کاربرد عملی گواه‌نماهای زبانی در حوزه تحلیل گفتمان به‌ویژه در نقد فیلم‌نامه است. به این منظور، محتوای زبانی فیلم‌نامه که از انواع گفتمانی پرمخاطب و دردسترس است، از لحاظ نوع و شیوه گواه‌نمایی به‌نحوی مورد بررسی قرار می‌گیرد که علاوه بر واکاوی انواع ساختارهای گواه‌نما در این گونه گفتمانی، ارتباط میان این مقولات و شخصیت‌های ساخته و پرداخته شده توسط فیلم‌نامه‌نویس مشخص شود. داده‌های این پژوهش

---

1. M. Esslen  
2. S. Field

از فیلم جدایی نادر از سیمین برگرفته شده است که به نظر بسیاری از منتقدان از فیلم‌نامه‌ای قوی و نقش‌هایی باورپذیر برخوردار است. تعداد ۵۶ بخش گفتاری مربوط به بازیگران متفاوت در این فیلم نامه از لحاظ دارا بودن نوع گواه‌نمایی و برای تطبیق با الگوهای ساختاری گواه‌نما در زبان فارسی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

### ۵- تحلیل داده‌ها بر مبنای طبقه‌بندی انواع گواه‌نما

انواع گواه‌نما در زبان‌ها از دو بعد قابل بررسی است. اول از بعد معنایی که شامل گواه‌نمایی مستقیم و غیرمستقیم می‌شود که انواع آن در مقدمه این مقاله مطرح شد. دوم از منظر ساختاری. همان‌گونه که در بخش‌های گذشته اشاره شد، اگر زبانی دارای گواه‌نمای دستوری نباشد، نقش گواه‌نماها توسط عناصر دیگر زبانی ایفا می‌شود. طبق بررسی امیدواری (۱۳۹۲) گواه‌نمایی در زبان فارسی، در قالب برخی از ساختارهای زبانی، همچون زمان و نمود افعال، ساختارهای وجه‌نما، ساخت‌های گزارشی، عناصر واژگانی، نشانه‌ها و شاخص‌ها و عبارات اضافی (با عنوان سوگندها) بروز می‌یابد. در این بخش به تحلیل داده‌های برگرفته از فیلم‌نامه جدایی نادر از سیمین، از منظر گواه‌نمایی زبانی به منظور بررسی نحوه شخصیت‌پردازی و نقد فیلم می‌پردازیم:

### ۵-۱- زمان و نمود افعال

تلفیق زمان و نمود در افعال به‌عنوان ساختار گواه‌نما مورد توجه پژوهشگران زبانی بوده است. القای مفهوم گواه‌نمایی غیرمستقیم (به مفهوم اینکه گوینده خبر را از منبع دیگری به‌دست آورده است) از کاربردهای نمود کامل در زبان فارسی است. زمان و نمود در گفتمان روایتی، بسته به زاویه دید راوی نسبت به رویداد، می‌توانند تغییر کنند. اگر راوی بخواهد به‌نحوی نشان دهد که خود شاهد ماجرا بوده است، از گواه‌نمای مستقیم، (که در اینجا نمودهای غیرکامل است، به‌ویژه زمان گذشته ساده)، به‌صورتی استفاده می‌کند که مخاطب مجاب شود وی خود ناظر رویداد بوده است. اما در صورتی که بخواهد به‌هردلیلی، فاصله خود را از رویداد حفظ کند، یا امری را تکذیب کند، یا از درستی و نادرستی رویداد و خبری که می‌دهد مسئولیتی برعهده

بررسی ارتباط گواه‌نمایی زبانی با شخصیت‌پردازی ... | ۹

نگیرد، از گواه‌نماهای غیرمستقیم (با نمود کامل) بهره می‌گیرد. در نمونه‌های زیر، تفاوت زاویه دید و موقعیت افراد سبب می‌شود که روایت‌گری آنها از یک رخداد واحد در فیلم متفاوت باشد.

نادر پیرمردو بسته به تخت، در اتاقو قفل کرده، در خونه رم بسته روش، رفته برا خودش، ده دقه دیرتر رسیده بودم مرده بود (فرهادی، ۱۳۹۳: ۵۰۰).

مخاطب متن فوق، حتی خارج از فضای فیلم، درمی‌یابد که گوینده، زمانی که این اتفاق‌ها افتاده، شخصاً حضور نداشته و شاهد ماجرا نبوده است، تنها از شواهد یا نتایجی که بعداً دیده، استدلال و استنتاج کرده است. پس رویداد را با به‌کار بردن افعالی همچون «بسته، کرده، رفته» به زمان ماضی نقلی با تکیه بر گواه‌های غیرمستقیم استدلالی بازگو می‌کند. درجمله زیر هم استفاده از نمود کامل نمایانگر بیان غیرمستقیم نادر در فیلم است:

نادر من نمیدونم، ولی این پرت نشده اینجا ... یا خودش خورده زمین یا بعدش یه بلایی سرش اومده (همان: ۵۳۰).

اصرار گوینده بر این است که از اطلاعاتی که از قبل از ماجرا (در برخورد خودش با آن زن) دارد کمک بگیرد تا ثابت کند مقصر نبوده است و خود را از مخمصه برهاند. وی این کار را به شیوه‌ای مستدل، بدون ایجاد شبهه یا توسل به گواه‌نمایی مستقیم نادرست، انجام می‌دهد. برای نادر این امکان هم فراهم بود که بگوید: «من دیدم که خودش پاش گیر کرد و پرت شد». زیرا وی تنها شاهدهی است که در آن لحظه حضور داشته است اما حاضر نیست مسئولیت آنچه را که ندیده است، برعهده بگیرد. این امر وی را فردی پای‌بند به اخلاقیات جلوه می‌دهد. وی زمانی که ناظر بر جریان است، در توصیف صحنه از زمان‌های ساده کمک می‌گیرد:

نادر هلمش ندادم، سعی کردم که از خونه بیرونش کنم (همان: ۵۰۷).

نادر من کی فرصت کردم با ایشون حرفامو یکی کنم، من دیشب تو بازداشت بودم که!  
(همان: ۵۱۹).

در این دیالوگ، وی علاوه بر ساختار افعال ساده، از استدلال نیز بهره می‌گیرد. از گفتار نادر می‌توان به صریح و منطقی بودنش پی برد، حتی زمانی که مجبور به اعتراف نزد دخترش می‌شود:

نادر مامانت راست می‌گفت ... من می‌دونستم بارداره ... همون موقع که داشت تو هال با معلمت حرف می‌زد، من از آشپزخونه حرفاشونو می‌شنیدم (همان: ۵۴۳).

مشابه همین جمله‌ها از زبان کسی که متهم است، به‌شکل زیر بازگو می‌شود:

راضیه خواب بود، من درو روش بستم نیاد بیرون. ... خود این آقا هم صباها در رو رو باباش می‌بست، کلیدو می‌ذاشت بالای در برا من، من دیدم خودش این کارو می‌کنه (همان: ۵۱۲).

این بیان صریح و گواه‌نمایی مستقیم راضیه از این که تمایلی به دگرگون جلوه‌دادن حقیقت ندارد، منشأ می‌گیرد. بیان جملات به زمان گذشته ساده، ناظر بر حضور او در صحنه است. وی برای توجیه کاری که انجام داده است، گواه‌های دیگر ارائه می‌دهد. درواقع خود به‌تنهایی از پس توضیح اقدامش بر نمی‌آید و از لحاظ استدلالی در فیلم‌نامه، به‌عنوان شخصیتی ضعیف معرفی می‌شود. از این رو، در بیشتر موارد به‌جای سخنان قاطعانه و صریح به‌دنبال گواه‌های دیگر است:

راضیه من جلو خود این آقا، جلو دخترش، جلو معلم دخترش که می‌اومد خونه شون در مورد بارداریم صحبت کردم، همه شون شنیدن (همان: ۵۰۸).

راضیه معلم دخترشون هست، بیاد بگه این آقا نشنید (همان: ۵۰۹).

راضیه شخصیتی است که حتی در بیان حقیقت نیز متوسل به گواه‌های دیگر است و از این بعد با نادر که شخصیتی ازخودمطمئن و قاطع دارد، در تضاد است. نویسنده تمایز شخصیتی میان این دو را به‌نحوی تنظیم کرده است که هرکدام با گفتارشان، نماینده طبقه خاصی از جامعه معرفی شوند.

## ۵-۲- ساختارهای وجه‌نما

در اینجا «وجه» از این منظر اهمیت می‌یابد که نظر و دیدگاه گوینده را بازتاب می‌دهد و تنها از بعد مربوط به قطعیت یا امکان درستی و دقت خبر و اطلاع مطرح می‌شود و به تعبیری دیگر، به وجه برداشتی معروف است. تنها این بعد است که به گواه‌نمایی ارتباط می‌یابد، چون به میزان پای‌بندی گوینده در قبال درستی یا نادرستی خبری که می‌دهد مرتبط است (لاینز<sup>۱</sup>، ۱۹۷۷: ۴۲۵). به بیان ساده‌تر، آن بخشی از وجه‌نمایی مربوط به گواه‌نمایی است که مربوط به وضعیت برداشت یا شناخت گوینده باشد و همچون شاهد و گواهی برای آنچه می‌گوید محسوب شود. از این رو می‌تواند تأثیر زیادی بر مخاطب خود بگذارد.

### الف- وجه فعلی

دو وجه فعلی اخباری و التزامی هرکدام در بررسی نمونه‌های زبانی در زمینه گواه‌نمایی دارای کاربرد و اهمیت هستند. وجه اخباری معمولاً زمانی در خبررسانی و دادن اطلاعات به کار می‌رود که خبر شامل مواردی باشد که صحت دارند و از دید راوی و جامعه از کفایت برخوردارند. معمولاً گواه وجه اخباری، گوینده است، به نوعی که یا خود ناظر شرایط بوده یا گواه مطمئنی برای آن دارد.

قهرایی ایشون یه مرد محترمند آقای قاضی، من یه ساله منزلشون می‌رم برای دخترشون، یه لحظه نمی‌آن تو هال. همه ش تو اتاق شونند تا من تدریس تموم شه (فرهادی، ۱۳۹۳: ۵۱۹).

جمله فوق دارای وجه اخباری است و گوینده با اطمینان از خبر سخن می‌گوید. وی برای تأیید حرف خود دلیل نیز می‌آورد. متوسل شدن به استدلال‌های منطقی در گفتار برخی بازیگران می‌تواند شخصیت آن‌ها را مثبت و اخلاقی جلوه دهد. وجه اخباری در انواع متن‌ها کاربرد وسیع و هدفمندی دارد.

سیمین ایشون نه معتاده، نه مشکلی داره، برعکس آدم بسیار سالمی هم هست ... (همان: ۴۶).

سیمین      بین از این نظرا نگران نباش، آدم چشم پاکیه، من این چیزاشو اطمینان کامل بهش دارم (همان: ۴۷۲).

شنیدن چنین جملاتی از زبان سیمین، درباره کسی که می‌خواهد از او جدا شود، بر مخاطب تأثیرگذار است، به نحوی که او را فردی منصف جلوه می‌دهد که حقایق را بازگو می‌کند، هرچند به سود وی نباشد.

برخلاف آن، وجه التزامی است که چون تردیدبرانگیز است، معمولاً زمانی به کار می‌رود که گوینده شهادت گفتار صریح را ندارد. کاربرد وجه التزامی، تأثیری فاصله‌انداز میان گوینده و خبر دارد و گوینده تضمینی برای صحت خبر یا تأکید و اصرار بر خواسته‌اش ندارد.<sup>۱</sup>

راضیه      بیخشید میشه من به شوهرم شماره شما رو بدم، بگم از تو روزنامه پیدا کردم ... (همان: ۴۸۲).

راضیه      اگه میشه امروز رو حساب کنید ... (همان).

حجت      به پیغمبر اگه بذارم من این دفه حقمو بخورین ... بنزین میریزم رو خودم در همین دادسرا خودمو آتیش می‌زنم ... (همان: ۵۲۴).

حجت      معلومه تو نمی‌فتی، این زنه، باردار بوده، یه دست بهش بخوره پرت میشه (همان: ۵۳۲).

حجت      اینا فردا چششون تو چش اینه، نمی‌آن یه چیزی بگن به ضررش باشه (همان: ۵۳۳).

حجت، همسر راضیه، از شخصیت‌های اصلی فیلم است که کلام وی به‌ویژه نحوه گواه‌نمایی‌اش، بی‌اساس و منطقی است و همانند نمونه‌های فوق بیشتر از جملات با وجه التزامی و شرطی، همراه با گواه‌های حدس و گمانی، استفاده می‌کند و در نتیجه، بدبین، متزلزل و دمدمی‌مزاج نمایش داده می‌شود.

راضیه      هل نداد، از تو دهنه در این جای منو گرفت پرتم کرد، از پله‌ها افتادم پایین (همان: ۵۰۷).

۱- وجه شرطی در اینجا زیرمجموعه‌ای از وجه التزامی در نظر گرفته شده است.

نادر جناب اصلاً این در اجازه نمیده کسی رو سمت پایین پرت کرد (همان: ۵۳).

بسامد بالای جملات تردیدانگیز راضیه در فیلم سبب شده است که حتی وقتی جملات ساده مبتنی بر یقین را بیان می‌کند، در مقابل استدلال‌های منطقی نادر و قاطعیت وی، باز هم از قدرت باورپذیری اندکی برخوردار باشد. این امر شخصیت کم‌جرأت و ضعیف وی را به نمایش می‌گذارد.

### ب- عناصر زبانی غیر فعلی وجه‌نما

عناصر زبانی که در دستوره‌های زبان فارسی با عنوان قیده‌های تردید و احتمال و امکان و قیده‌های تصدیق و تأکید و ... از آنها نام برده شده است، در گروه قیده‌ها و عناصر وجهی قرار می‌گیرند. این عناصر قطعیت و قطبیت کلام را مشخص و تکلیف مخاطب را در برداشتی که از کلام گوینده دارد، روشن می‌کنند. در واقع، این کلمات میزان اعتبارسنجی و درجه اعتماد به سخن را جلوه‌گر می‌سازند.

افراد جامعه، حتی به‌صورت ناخودآگاه، می‌دانند که برخی خبرها نسبت به برخی دیگر صحیح‌تر هستند، و از این‌رو برای همه اطلاعات و اخبار به یک اندازه اعتبار و اطمینان قائل نمی‌شوند. گوینده از قیده‌های وجهی تأکیدی و تصدیقی به این دلیل استفاده می‌کند که صحت خبر و اطلاعاتش در ارزیابی از معیار بالاتری برخوردار شود و با نشان دادن درجه اطمینان بالای گوینده، آن خبر را همچون حقیقت جلوه دهد. گاهی نیز که خبر، به‌زعم گوینده، گواه محکمی ندارد، در بیان آن به قیده‌های تردید و احتمال متوسل می‌شود، صرفاً به این دلیل که از آن خبر رفع مسئولیت کند.

سیمین تو پیشش باشی، یه غریبه پیشش باشه براش هیچ فرقی نمی‌کنه، اصلاً دیگه نمی‌فهمه تو پسرشی (همان: ۴۶۲).

استفاده از واژه‌های «هیچ» و «اصلاً» بازگوکننده یقین سیمین در توصیف وضعیت پدر نادر و مؤید این است که وی از پیرمرد شناخت کافی دارد.

ماهوتیان (۱۳۸۳) معتقد است که میزان قطعیت با «ممکنه»، «امکان داره» و «شاید» بیان می‌شود و پس از اینها بند پیرو در وجه التزامی می‌آید. عناصر وجهی دیگر، «گویا»، «بی‌شک»، «حتماً» و «قطعاً» هستند که پس از آنها فعل وجه اخباری دارد.

راضیه بالاخره چشم ممکنه بیفته بهش ... (فرهادی، ۱۳۹۳: ۴۷۸).

راضیه ببخشید شاید فردا رو نتونم پیام (همان: ۴۸۰).

در جملات زیر، اهمیت اثبات ابهام مورد نظر با زندگی یک انسان ارتباط مستقیم دارد. در همین راستا، نادر علاوه بر بررسی احتمال و امکان رویدادهای مختلف به‌گواه استنتاجی و استدلالی نیز متوسل می‌شود. در این بخش، وی با دلایلی که می‌آورد، وجه تردید را از گفتارش کم می‌کند. این امر به منطقی‌بودن شخصیت وی کمک می‌کند، زیرا آنچه را که مطمئن نیست، با اطمینان بر زبان نمی‌آورد، بلکه حدس و گمان‌هایش نیز همراه با استدلال است.

نادر ظاهراً شما گرفتار بودین، به جای شما اومدن (همان: ۵۰۴).

نادر سرش شاید گیج رفته افتاده (همان: ۵۳۲).

نادر اصلاً خانم کلانی مگه پله‌ها رو نشسته بود همون روز ... خیس بوده اینجا ممکنه لیز خورده باشه (همان: ۵۳۳).

بررسی جوانب مختلف یک موضوع، وقتی هیچ شاهد و گواه مستقیمی در دست نیست، می‌تواند به امر بازسازی حقیقت کمک کند. «ممکنه» و «امکان دارد» از جمله گواه‌نماهای غیرمستقیم ولی پرکاربرد در زبان فارسی هستند. با توجه به اتفاق نظر محققان در کارکرد افعال و عناصر وجهی برای القای میزان قطعیت و تأیید خبر نزد مخاطب، عملکرد این عناصر زبانی در جایگاه ثانویه در نقش گواه‌نما دور از ذهن نیست و در نمونه‌های بسیار زبانی قابل دسترسی است.

### ۵-۳- ساخت‌های گزارشی

گزارش‌ها به دو صورت مستقیم (نقل قول مستقیم) و غیرمستقیم هستند. در کلیه متون بررسی‌شده زبان فارسی، این سبک گواه‌نمایی رایج و مرسوم است و در حکم گواه‌نمای در دسترس عمل می‌کند، زیرا با این‌که گوینده خود را دور نگه می‌دارد تا مسئولیت گفتار را برعهده نگیرد، اما مخاطب می‌تواند با بررسی و تحقیق بیشتر به درستی یا نادرستی اصل گزارش پی ببرد.

سیمین تو امروز با این زنه دعوا کردی؟ ... خواهرشوهرش زنگ زده بود (همان: ۵۰۰).

سیمین می‌گفت زدیش تو (همان: ۵۰۱).

سیمین برای این‌که حرفش مستند باشد، علاوه بر گزارش، نام شاهد را هم آورده است.

ترمه مامان دیشب گفت تو می‌دونستی (همان: ۵۲۷).

ترمه گفت تو بیمارستان اون شب وقتی گفتن راضیه خانوم بچه‌اش مرده اصلاً تعجب نکردی، نرسیدی مگه بچه داشته، هیچی نگفتی ... این جور وقتا اول آدم می‌پرسه مگه بچه تو شیکمش داشت ... انگار می‌دونستی (همان: ۵۲۷).

ترمه در این فیلم، همانند پدرش، دارای شخصیتی صریح، منطقی، متفکر و اهل استدلال تصویر می‌شود. از این‌رو بیشتر گفتارش یا نقل قول است، یا دارای گواه‌نمای استدلالی. وی در پاسخ به پرسش پدر برای درجه ماشین لباسشویی، وی را این گونه قانع می‌کند:

ترمه آخه چهار رنگش از بقیه کم رنگ‌تره، ببین، معلومه مامان هی رو این شماره گذاشته که رنگش بیشتر رفته (همان: ۴۶۹).

و نیز جملات زیر:

ترمه شاید پاش درد می‌کنه نمیتونه پاشه (همان: ۴۹۷).

ترمه بچه چهار ماهه اصلاً هنوز دست و پاش و اینا هیچی شکل نگرفته چه برسه لگد بزنه (همان: ۵۲۷).

ذهن تحلیل‌گرانه وی تشخیص می‌دهد که باید گواهی معتبر را برگزیند. استفاده از گواه‌های استدلالی او را نیز فردی منطقی جلوه می‌دهد. فیلمنامه‌نویس، برخلاف ترمه و پدرش، گواه‌های بی‌اساس و غیراصولی را برای حجت در نظر گرفته است.

حجت      داره می‌گه تو باباشو تو خونه زندانی کردی رفتی (همان: ۵۱۱).

آنچه حجت بیان می‌کند، بیشتر برداشت شخصی خودش محسوب می‌شود.

حجت      خانوم چرا داری ناحق می‌گی، شما یه زنید، زنا از رو صورت یه نفر می‌فهمن  
حامله س (همان: ۵۱۹).

حجت      همسایه‌هاشونم مثل این معلمه، اینا همه شون با همن (همان: ۵۲۲).

حجت      ... یا بیا بگو دروغ گفتی یا تا تهش میرم ببینم تو چه داستانی با شوهر این خانوم  
داری ... (همان: ۵۳۷).

شخصیت متزلزل، بی‌منطق و بی‌ثبات حجت در گفت‌وگوهایش مشهود است. گواه معتبری از زبان حجت در فیلم شنیده نمی‌شود. فیلمنامه‌نویس با به‌کارگیری گواه‌های نامعتبر، سعی در به‌تصویر کشیدن فردی بدبین، عصبی و عجول دارد.

#### ۵-۴- عناصر واژگانی گواه‌نما

عناصر واژگانی در زبان‌ها می‌توانند نقش گواه‌نما را ایفا کنند، اگر به‌واسطه آنها منبع خبر مشخص شود یا به‌نحوی استفاده شوند که گوینده و مخاطب نگرشی جهت‌دار نسبت به خبر و درستی آن داشته باشند. این گروه شامل افعال حسی و ادراکی و عناصر غیرفعلی زبان می‌شود.

#### الف- افعال گواه‌نما

فعلی که به‌واسطه آن گوینده گواه بر رویداد یا خبر محسوب می‌شود، علاوه بر وجوه نقشی، معنایی و نحوی، نقش گواه‌نمایی هم می‌پذیرد. در بسیاری موارد، فعل «دیدن» از گواه‌نمایی مستقیم حکایت دارد و هرچه اعتبار گوینده بیشتر باشد، اعتبار خبری که می‌دهد نیز بالاتر است. نادر در جواب بازپرس برای آوردن دلیل و شاهد برای دزدی زن می‌گوید:

نادر من رفتم سر کشو دیدم یه مقدار از یولا کم شده، همون اندازه دستمزد ایشون  
(همان: ۵۱۰).

وقتی از دادگاه برای تحقیق می‌روند، همسایه‌ها از گواه دیداری استفاده می‌کنند و شهادت  
می‌دهند:

خانم کلانی من پرت شدنشو ندیدم، رسیدم نشسته بود رو اون پله‌های پایین‌تری (همان):  
(۵۳۱).

زن همسایه من از اون بالا در خونه رو نمی‌تونستم ببینم ولی پله‌ها رو دیدم که این خانم  
افتاد (همان: ۵۳۲).

برای اثبات هر مسئله‌ای کارآمدترین روش، بازگ کردن آن چیزی است که افراد به چشم  
خود دیده‌اند. شهادت در دادگاه‌ها به معنی ناظر بودن عینی گواه و شاهد بر ماجرا و گواه‌نمایی  
مستقیم است. شهادت همسایه‌ها در اینجا به نفع نادر است چون سخنانش قاطع و عاری از  
شک و تردیدند، برعکسِ راضیه که مسئولیت مستقیم گفته‌هایش را برعهده نمی‌گیرد و همواره  
در تردید به سر می‌برد:

راضیه رو همین پله‌ها ... فکر کنم این بود ... مطمئن نیستم (همان: ۵۳۱).

راضیه من اونقدر حالم بد بود خودمم نفهمیدم چی شد! (همان).

فعل‌های «فکر کردن»، «دانستن» و «احساس کردن» نیز از گواه‌نماهای حدس و گمانی محسوب  
می‌شوند که اعتبار منطقی آنها اندک است، مگر این‌که استنباطی در پی داشته باشند یا از  
شخص معتبری صادر شوند.

راضیه من فکر می‌کردم خودتونم اینجا زندگی می‌کنید (همان: ۴۷۲).

راضیه من فکر کردم مثل هرروز می‌گیره می‌خوابه (همان: ۵۳۱).

از این نما، راضیه زنی است که، بیش از واقعیت، درگیر احساسات، افکار و اعتقادات خویش است. از سوئی دیگر، حجت آن قدر فرضیات خودش را مسلم می‌داند که به‌جای دیگران فکر می‌کند و تصمیم می‌گیرد.

حجت من می‌دونم دیگه ... شما فکر می‌کنید این یه آدم بدبخت مونده کلاشه که حالا بچه اش مرده می‌خواد این وسط ... (همان: ۵۴۹).

حجت چرا دیگه، ماها یه مشت بی شرفیم (همان).

### ب- واژه‌های گواه‌نما

از دیدگاه نقش‌گرا، هلیدی<sup>۱</sup> (۲۰۰۴: ۵۹-۵۸) برای هر بند زبانی به‌طور همزمان چند لایه معنایی در نظر می‌گیرد. یکی از این لایه‌های معنایی فرانقش بینافردی‌ست که زبان را ابزاری برای ایجاد ارتباط با دیگران، تأثیر بر رفتار و افکار آنها و بیان دیدگاه‌های فردی می‌داند. میزان قطعیت یا اطمینانی که از طرف گوینده/ نویسنده ابراز می‌شود، تأثیر بسزایی در مخاطب می‌گذارد. به این منظور از عناصر وجه‌نما، قیدها و نیز عناصر زبانی متفاوت استفاده می‌شود. برخی واژگان زبان در ذات خود دارای خاصیت گواه‌نمایی هستند. هرچند که همه آن‌ها مؤید قاطع خبر نیستند و برخی از اسامی و به‌ویژه صفات سبب ایجاد تردید در خواننده می‌شوند، اما به‌هرصورت نقش گواه‌نمایی را همچون عناصر وجهی به‌عهده می‌گیرند و در مخاطب تأثیر زیادی دارند.

نادر من قبول دارم یه کمی تند شدم با ایشون (همان: ۵۰۷).

بیان حالت‌های شناختی کم، زیاد، تند، خیلی، دست‌کم، کاملاً، اصلاً و ... بیان ویژگی‌هایی است که می‌تواند بنابر ذهنیتی که در خواننده ایجاد می‌کند، در جهت میزان جلب اطمینان وی از خبر داده‌شده، عمل کند. درمورد راضیه، کاربرد این عناصر حاکی از روحیه خجالتی، مردد و غیرمصمم اوست.

راضیه سیصد یه خورده ... کمه سیصد ... مسیروشم یه کم بده، چند تا اتوبوس باید عوض کنم (همان: ۴۶۸).

- راضیه      *یه خورده سخته برام (همان: ۴۷۲).*
- راضیه      *رام خیلی دوره (همان: ۴۸۰).*
- راضیه      *ببخشید حاج آقا، ایشون یه خورده جوشیه (همان: ۵۰۹).*

## ۵-۵- نشانگرها و شاخص‌ها

آنچه به‌واسطه آن بتوان به مصداقی در دنیای واقع اشاره کرد و آن را گواه مطلب طرح‌شده قرار داد، در گواه‌نمایی اهمیت پیدا می‌کند. معمولاً ضمائر اشاره، ضمائر شخصی و نشانگرهای مکان و زمان این ویژگی را دارند و می‌توانند به‌عنوان سند یا مدرک مورد استفاده قرار گیرند. اگرچه مفاهیم مرتبط با ادراک می‌توانند با نظام دستوری ضمائر اشاره رمزگذاری شوند، اما به‌نظر می‌رسد در زبان فارسی در شرایطی که نیاز است حرف گوینده تأثیرگذارتر و باورپذیرتر جلوه کند، استفاده از این ضمائر به تأمین هدف گوینده کمک می‌کند.

راضیه      *اینا رو شما ببینید [اشاره به قرص‌های اعصاب]، روزی یه مشت از اینا می‌خوره، از وقتی بی کار شده افسردگی گرفته، دست خودش نیست (فرهادی، ۱۳۹۳: ۵۲۴).*

نادر      *بیا ... ببین ... آدم وقتی پرت می‌شه صاف می‌ره می‌خوره به یه جا ... نمی‌شه که این وری بچرخه بعد بچرخه این ور ... بعد بیاد بیفته اینجا ... درسته؟ من اگه پرتش کردم یا باید صاف می‌افتاد رو اون پله‌های بالا یا نهایتش رو این پله اولی ... تو خودت یه بار فکر کن پرت شدی، بیا این مسیرو (همان: ۵۳۰).*

هر دو شخصیت در تلاش هستند که با استفاده از گواه مصداقی حرف خود را ثابت کنند. راضیه در دادگاه نزد بازپرس و نادر نزد دخترش. اما گواه‌نمایی نادر عینی‌تر، مستدل‌تر و باورپذیرتر است.

اگر از لحاظ نقشی برای ضمائر، و به‌ویژه ضمائر اشاره، در زبان فارسی نقش گواه‌نمایی نیز قائل شویم، با توجه به ارجاع یا اشاره به مصداق، از نوعی گواه‌نمایی در دسترس برخوردار خواهیم بود که به سخن اعتبار می‌بخشد. کارکرد این نوع گواه‌نمایی بیشتر در محاورات روزمره معمول است.

#### ۴-۶- سوگند

در بررسی متون مختلف به عبارات اضافی با نام «سوگند» یا «قسم» برمی‌خوریم که نقش و هدف آنها، ایجاد باور و اطمینان در مخاطب نسبت به خبر یا سخن گوینده است. لیونگ<sup>۱</sup> (۲۰۱۱: ۹۷) در تعریفی خاص و زبان‌شناختی سوگند را عهدی جدی و پرهیبت دانسته است که گوینده به‌واسطه آن شاهدهی الهی را بر حالت، رفتار و گفتار خود گواه می‌گیرد. در فیلم مورد بررسی، سوگندها به‌طور مکرر از سوی راضیه و همسرش مورد استفاده قرار می‌گیرند. قصد نویسنده از استفاده از این نوع گواه‌نمایی کم اعتبار، به تصویر کشیدن شخصیت‌هایی است که دلیل منطقی برای سخنانشان ندارند. بنابراین جای خالی گواه‌نماهای معتبر و مستدل را با سوگند پر می‌کنند.

راضیه      من با این بچه از خاوران ... به پیغمبر من پول برنداشتم (همان: ۴۹۸).

راضیه      من تا پولمو نگیرم نمی‌رم به خدا (همان).

راضیه      ترسیدم بیدار شه از تخت بیاد پایین یه بلایی سرش بیاد، به امام زمان از رو دلسوزی این کار رو کردم (همان: ۵۱۲).

راضیه      حاج آقا تو رو قرآن، تو رو به ابوالفضل ... این اعصابش خورده (همان: ۵۲۴).

راضیه      نه تو رو قرآن، قسم تون دادم این حرفا از این اتاق بیرون نره (همان: ۵۵۷).

حجت      چرا تا ما رو می‌بینید فکر می‌کنین مٹ حیوون صب تا شب داریم می‌زنیم تو سر زن و بچه مون ... بابا ما هم به قرآن آدمیم (همان: ۵۳۶).

در نمونه‌های بالا، گوینده در نظر دارد آنچه را که باید بر مبنای گواه‌نمایی مستدل و شواهد مورد قبول صورت پذیرد، با قسم بقبولاند. این ساختارها اگرچه به‌عقیده بسیاری افراد (به‌عنوان مثال، قاضی دادگاه) گواه‌نماهای قابل قبولی نیستند، اما از سوی گوینده به نیت گواه‌نمایی و به منظور تأکید بر درستی حرف خود به کار می‌روند.

بیننده در طول فیلم از خانواده نادر سوگندی نمی‌شنود فقط نادر یک‌بار در دادگاه از قاضی سؤال می‌کند آیا لازم است قسم بخورد. این مطلب نشان‌دهنده تمایل به منطق و واقع‌گرایی اوست.

از بررسی داده‌های فوق مشخص می‌شود که در متن فیلم‌نامه نیز همانند متون زبانی دیگر، ساختارهای متنوع گواه‌نمای زبانی همراه با دیگر عوامل متنی و نمایشی وظیفه تسهیل در امر شناساندن شخصیت بازیگران را به مخاطب برعهده دارند.

## ۵- نتیجه‌گیری

بررسی کاربرد گواه‌نماهای زبانی و القای مفهوم گواه‌نمایی در فیلم به دلیل تثبیت روابط متقابل گوینده و مخاطب، به‌ویژه در نمایاندن شخصیت بازیگران فیلم، از اهمیت بالایی برخوردار است. با تحقیق در گفتمان فیلم جدایی نادر از سیمین تقریباً انواع گواه‌نمایی از مستقیم تا غیرمستقیم و در قالب‌های مختلف ساختاری همچون گزارش، نقل قول، قیدها و عناصر وجهی، عبارات اضافی (در قالب سوگند)، واژه‌های گواه‌نما و عناصر دستوری مانند زمان و نمود افعال و در قالب‌های معنایی همچون استنباط، استدلال، گزارش، حدس و گمان، حسی دیداری و غیردیداری کاربرد وسیعی دارند. بررسی انواع گواه‌نما، بسامد کاربرد آنها و چگونگی استفاده آنها در فیلم، ابزاری برای فیلم‌نامه‌نویس محسوب می‌شود تا با به‌کارگیری‌شان در کنار ابزارهای غیرزبانی مانند حرکات و رفتار بدنی، القای حس درونی و یا ایما و اشارات متفاوت و نیز فنون خاص نشانه‌پردازی به‌نحو مطلوب، شخصیت‌ها را ساخته و پرداخته کند و آنها را همان‌گونه که در نظر دارد به مخاطبان معرفی کند.

## منابع

- اسلین، مارتین (۱۳۹۱). نمایش چیست. ترجمه شیرین تعاونی، تهران: نشر نیلوفر.
- امیدواری، آرزو (۱۳۹۲). بررسی گواه‌نمایی در زبان فارسی: رویکردی ساختاری-معنایی. رساله دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.
- فرهادی، اصغر (۱۳۹۳). هفت فیلم‌نامه از اصغر فرهادی. تهران: نشر چشمه.
- فیلد، سید (۱۳۸۵). چگونه فیلم‌نامه بنویسیم. ترجمه عباس اکبری، تهران: نشر نیلوفر.

ماهوتیان، شهرزاد (۱۳۸۳). دستور زبان فارسی از دیدگاه رده‌شناسی. ترجمه مهدی سمایی، تهران: نشر مرکز.

- Aikhenvald, A. Y. (2004). *Evidentiality*. New York: Oxford University Press..
- Bashir, E. (2007). "Evidentiality in South Asian Languages". *Proceedings of the LFG06 Conference*, Konstanz University. Stanford: CSLI Publications, 30-50.
- Boas, F. (1911). "Introduction". In F. Boas (ed.), *Handbook of American Indian Languages*. Part 1, Washington D.C.: Smithsonian Institution. Bureau of American Ethnology Bulletin 40, 5-83.
- Chafe, W. L. and Nichols, J. (1986). *Evidentiality: The Linguistic Coding of Epistemology*. Norwood, NJ: Ablex.
- Friedman, V. A. (2003). "Evidentiality in the Balkans with special attention to Macedonian and Albanian". In Aikhenvald, A.Y. and Dixon (eds), *Studies in Evidentiality*. Amsterdam: John Benjamins, 189-218.
- Halliday, M. A. K. (2004). *An Introduction to Functional Grammar*. 3<sup>rd</sup> edition, London: Arnold.
- Hardman, M. J. (1986). "Data-source marking in the Jaqi languages". In Chafe and Nichols (eds.), *Evidentiality: The Linguistic Coding of Epistemology*. New York: Ablex, 113-36.
- Jakobson, R. (1957). *Shifters, Verbal Categories and the Russian verbs*. Cambridge: Harvard University.
- Lazard, G. (2001). "On the grammaticalization of evidentiality". In *Journal of Pragmatics* 33. 358-68.
- Ljung, M. (2011). *Swearing: A Cross-Cultural Linguistic Study*. Hampshire: Palgrave Macmillan.
- Lyons, J. (1977). *Semantics*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Palmer, F. R. (1986). *Mood and Modality*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Paul, L. (1998). *Zazaki, Grammatik und Versuch einer Dialektologie*. Wiesbaden: Dr. Ludwig Reichert Verlag.
- Plungian, V. A. (2001). "The place of evidentiality within the universal grammatical Space". In *Journal of Pragmatics* 33. 349-58.
- Saeed, J. (2009). *Semantics*. 3<sup>rd</sup> revised edition. Oxford: Wiley-Blackwell.

- Utas, Bo. (2000). "Traces of evidentiality in classical new Persian". In Johanson, L. and Utas (eds). *Evidentials. Turkic, Iranian and Neighbouring Languages*. Berlin: Mouton de Gruyter, 259-273.
- Willett, T. (1988). "A Cross-linguistic Survey of the grammaticization of evidentiality". In *Studies in Languages 12*. 51-97.